

## غزل شماره ۱۳

- |                            |   |                                        |
|----------------------------|---|----------------------------------------|
| می دم صبح و کله بست سحاب   | ۱ | الصُّبُوحُ الصُّبُوحُ يَا اصْحَابِ     |
| می چکد ژاله بر رخ لاله     | ۲ | الْمُدَامُ الْمُدَامُ يَا احْبَابِ     |
| می وزد از چمن نسیم بهشت    | ۳ | هَانِ بِنُوشِیدِ دَمِ بَدَمِ مِی نَابِ |
| تخت زمر دزده است گل به چمن | ۴ | رَاحِ چُونِ لَعْلِ آتَشِینِ دَرِیَابِ  |
| در میخانه بسته اند دگر     | ۵ | اَفْتَحِ یا مَفْتَحِ الْاَبْوَابِ      |
| لب و دندان را حقوق نمک     | ۶ | هَسْتُ بَرِجَانِ و سَینَه مایِ کَبَابِ |
| این چمنین موسمی عجب باشد   | ۷ | کِه بِنِزَنْد مِی کِدِه بَه شَتَابِ    |
| برخ ساقی پری پیکر          | ۸ | بِمْجُو حَافِظِ بِنُوشِ بَادِه نَابِ   |



## ترج غزل

### معانی لغات غزل

- می دمد: طلوع می کند.
- کَلّه: پرده، سایبان، خیمه، چادر.
- کَلّه بستن: سایبان بستن و خیمه زدن با پارچه های نازک بهاره.
- الصَّبوح: باده بامدادی، مخفّف اتونی الصَّبوح یعنی باده صبحگاهی را به من ده.
- صباحی: باده یی که صبحگاهان می نوشند.
- اصحاب: جمع صاحب، دوستان، یاران.
- ژاله: شبنم.
- مدام: شراب.
- احباب: جمع حبيب، دوستان، یاران.
- هان: کلمه تنبیه برای آگاهی دادن.
- زُمُرد: مخفّف زُمُرد از احجار کریمه سبزرنگ.
- تخت زُمُرد: (استعاره) چمن سبز.
- راح: شراب قرمز.
- افتتح: بگشا، باز کن.
- مفتّح الابواب: گشاینده درها.
- موسم: فصل، هنگام، وقت.

**بیت اول**

سپیده بامدادی در حال دمیدن، و ابر خیمه و سایبان زده است ای یاران باده بیاورید! باده بیاورید!

**بیت دوم**

شب‌نم بر چهره لاله می چکد. ای دوستان شراب! شراب بیاورید!

**بیت سوم**

نسیم بهشتی از سوی چمن وزان است، دم به دم شراب ناب بنوشید.

**بیت چهارم**

گل سرخ در چمن بر تخت زمرد نشسته است. شراب آتشین سرخ فام را دریاب.

**بیت پنجم**

در میخانه را دگر بار بسته اند. ای خداوند گشاینده درها آن را بگشای.

**بیت ششم**

لب و دندان تو بر جانها و سینه های سوخته و کباب شده حق نمک دارند.

**بیت هفتم**

در چنین موسم و فصلی شگفت آور است که اینطور با عجله و شتاب در میکده ها را به بندند!

**بیت هشتم**

با نگرستن به روی ساقی زیبا و پری پیکر، مانند حافظ باده خالص و ناب بنوش.

## شرح ابیات غزل

وزن غزل: فاعلاتن مفاعلهن فعلاّن

بحر غزل: خفیف مسدّس مخبون مقصور

۱- خواجه کرمانی:

طَلَع الصُّبْحِ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ      عَجَلُوا بِالرَّحِینِ يَا أَصْحَابِ

و حافظ تحت تأثیر خواجه در اولین فصل بهاری که شاه شجاع به اقتضای سیاست عوام فریبانه، همانند پدرش در میخانه ها را بسته است این غزل را سروده است.

۲- در این غزل هشت بیت، شاعر در پنج بیت مؤکداً و تکراراً دوستان را به باده نوشی فرا می خواند و این ناشی از روح مغرور و شجاعانه اوست که تسلیم ریاکاری و تظاهر نشده به شاه شجاع می فهماند که ما همانیم که هستیم و همان خواهد بود.

۳- شاعر در سه بیت دیگر نیز به موضوع بستن میخانه ها اشاره و اظهار شگفتی کرده و در بیتی به شاه شجاع می فهماند که تو حقّ نمک بر دل سوخته من داری و این کنایتی است که وگرنه شدیدتر از این سخن می گفتم.

۴- ردیف ابیات این غزل به نحوه غزل چاپ قزوینی - غنی است و بطور وضوح مشهود است که جای ابیات ششم و هفتم باید با هم عوض شوند تا خللی در معنا به وجود نیاید و از اینگونه موارد کم نیست و چون سلیقه ها مختلف است، چاره کار در دست یک شورای عالی ادبی است که از طرف مقامات رسمی به این موضوع و حذف بعضی ابیات و در مواردی اضافه کردن ابیاتی از نسخ مهجور موجود اقدام و یک نسخه رسمی دیوان حافظ پیشنهاد نمایند تا بسیاری از مشکلات از میان برخیزد.

\*\*\*

شرح جلالی بر حافظ - دکتر عبدالحسین جلالیان